

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد طاهر - امریکا

۰۴ اگست ۲۰۲۲

جنبش زنان و طالبان

بخش ۱۵

زنان و یک سال سلطه متحجران سیاه اندیش

بخش ۱۵ این نوشتار تصادف خورد به ۱۵ اگست، روز تسلیمی افغانستان به گروه متحجر سیاه دل نوکر پاکستان، طالبان.

یک سال قبل به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱ (۲۴ اسد ۱۴۰۰)، تلویزیون افغانستان و جهان گزارش از تسلط طالبان با فرار نوکر امریکا محمد اشرف غنی، از ارگ و عدم مقاومت نظامیان گارنیزون های شهر کابل، بر پایتخت افغانستان کابل مسلط و در چوکی رئیس جمهور در قصر ریاست جمهوری عکس گرفتند و به اصطلاح مردم پادشاه گردشی صورت گرفت.

مردم افغانستان با دیدن این تصاویر و گشت و گذار آدم های مسلح با ریش و موهای دراز چرکین روی جاده های شهر به اصطلاح چپه گرمک شدن اوضاع سیاسی افغانستان، باز هم تجربه کردند. بعد از بیست سال، حکومت متعصب، خشن و مصیبت باری طالبان بار دوم بر مردم افغانستان تحمیل شد.

اولین سوالی که ذهن مشوش مردم را کاوید این بود که آیا در موجودیت امریکائی ها (در میدان هوایی کابل به تخلیه نظامیان و کارکنان سفارت مصروف بودند) چگونه طالبان صاحب قدرت شدند؟ آیا این امریکائیان نبودند که به خاطر تخریب بلند منزل دوگانه نیویورک به افغانستان حمله کردند؟!

دومین سوال که ذهن شان را برای حل آن کند و کاو ساخت، آیا دولتی که ادعای نیروی نظامی قوی با سربازان دلیر، داشت و مدتی طولانی هم با طالبان دست و پنجه نرم کرد، در کدام زیر زمین غایب شد که یک تک تفنگ هم از جانب شان به گوش نرسید؟

سومین سوال مردم، سراغ این همه احزاب، سازمان ها، رهبران، اعضای پارلمان (نمایندگان انتخابی ملت)، که حق و ناحق سر کوچک ترین موضوع گلو پاره می کردند و تظاهرات به پا می داشتند، را از کجا باید گرفت؟ چرا مقاومتی علیه یک مشت ارادل اوباش وابسته انجام ندادند؟

و سوال مهم: رئیس جمهور، وزیران دفاع، امنیت، داخله و ارا کین بلند پایه نظامی و ملکی کجایند که برای دفاع از مادر وطن سینه پاره کنند؟

پاسخ سؤالات شان را از طریق اخبار دریافتند. رئیس جمهور با مسؤلان امنیتی فرار ، میدان هوایی مملو از بلند پایه ترین مقام های دولتی ، در صف منتظر پرواز تخلیه از جانب امریکائی ها ایستاده بودند. آن که بدون هراس و دلهره در وطن ماند مردم غمکش ، عذاب دیده و ستمکش، و آینده تاریک و موهوم زیر سایه شوم بوم.

در آغاز طالبان این بوم های شوم، به تبعیض جنسیتی پرداختند. زنان را از حق کار، تحصیل و تعلیم محروم ساختند. حجاب اجباری به تعقیب تبعیض جنسیتی ، زن را در خانه میخکوب ساخت . داشتن محرم آزادی بیرون رفتن زن را مقید به مرد نزدیک خانواده نمود، طالب هشدار داد، زنانی که از دستور امارت اسلامی سر پیچی ورزند، ولی یا سرپرست آنها تنبیه، زندانی و محاکمه خواهد شد. زنان شاغل در ادارات دولتی در صورت عدم رعایت حجاب از کار اخراج خواهند گردید.

نخستین اعتراض علیه متحجران بی فرهنگ تاریک اندیش، را زنان معترض با پذیرفتن مرگ، زندان ، شکنجه ، تبعید و شلاق آغاز و با شعار « نان ، کار و آزادی » روی جاده ها ریختند که با لوله ماشین دار و شلاق و زندان طالبان مقابل شدند. روایت یکی از زندانیان : « طالبان در زمان شکنجه به سینه ها و بین پاهایمان می زدند، این کار را با ما می کردند تا بتوانیم به دنیا نشان دهیم که چگونه شکنجه شدیم.» بیان زن زندانی دیگر که طالبان با نشان دادن تصویر فامیل او را چنین اخطار داده بودند: « ما می توانیم تمام اعضای خانواده ات را بکشیم.» طالبان ، زنی را که بدون محرم شرعی بیرون رفته بود، با «شوکر الکتریکی» یا (وسيله شکنجه برقی) شکنجه کردند. گزارشی گزارشگر، سازمان حقوق بشری عفو بین الملل در مورد شکنجه زنان و دختران افغان تحت عنوان « مرگ تدریجی».

دنباله قیود سخت گیرانه طالبان ادامه داشت ، دختران دانش آموز بالای صنف ششم از ادامه تحصیل محروم شدند. علت عدم گشایش مکاتب را ، بهانه به رسمیت شناختن امارت طالبان وانمود کردند. یا به گفته رئیس شورای علمای طالبان در «گردهمائی بزرگ علمای افغانستان» در خیمه «لویه جرگه»، « علت این است که صنوف آنان باید جدا باشد» . این رئیس شورای علمای طالبان هنوز نمی داند که صنف درسی دختران مکاتب در همه دولت ها همیشه جدا بوده است. دختران دانش آموز معترض صحن مکاتب خود را مرکز اعتراض شان ساختند. که با اخطار به فامیل های شان و وعده های دروغین که دروازه های مکاتب را باز می کنیم ، اعتراض آنها رو به خاموشی گرائید. ولی ریشه های آن هنوز هم تازه است و ثمر خواهد داد.

طالبان از سواد و آگاهی مردم و به خصوص زنان هراس دارند. از اینروست که از تحصیلات متوسط و عالی زنان جلوگیری می کنند. چون به گفته افلاطون « اگر پسران را به مکتب بفرستید از هر خانواده یک نفر با سواد خواهد شد و اگر دختران را به مکتب بفرستید تمام یونانی ها با سواد می شوند...» ، مادری با سواد فرزندان باسواد تربیت می کنند. تحصیل زنان سبب می شود تا زنان قدرت یابند و برای دست یابی به استقلال و آزادی و برابری خود مبارزه کنند. تحصیل دختران و زنان در پهلوی آگاهی از حقوق شان، مزایای اقتصادی – اجتماعی برای خانواده و جامعه نیز دارد . موسیقی، نوازندگی، آواز خوانی (زن و مرد) ، پخش سریال هائی که زنان در آنها حضور دارند ، زیر سایه «شریعت به جای قانون» در هر گوشه و کنار افغانستان ممنوع شد. ورزش زنان هم ممنوع گردید. زنان ورزشکار که نتوانستند از کشور خارج شوند در کنج منازل شان مرگ رویا های شان را می چشند. خانم زحل حمیدی عضو ملی ورزش راگبی به خبر نگار ۸ صبح چنین می گوید: « وقتی روز ۲۴ اسد ۱۴۰۰، را به یاد می آورم، بغض گلوم را می گیرد ، چون آن روز تصمیم گرفته بودم که خودم با دخترانی که علاقه مند هستند، یک تیم می سازیم، تا در آینده به خاطر مسابقه های بیرونی آماده باشیم. مثل همین هزاران امید دیگر در سر داشتیم، اما قسمت ما نبود.» مانند زحل حمیدی،

ورزشکاران زن بایسکل ران، کاراته باز، و دیگر ورزشکاران زن، زیر سلطه طالبان به امید فردا روز شماری می کنند.

در این چمن برگ گلی نیست نگرداند رنگ

با خیر باش که امروز تو فردا دارد (بیدل)

افزایش محدودیت ها بر زنان افغانستان، روز تا روز بیشتر شده می رود، در تازه ترین محدودیت ها بعد از رو بنده (حجاب) زنان نطق تلویزیون ها، طالبان از زنان که در دفاتر با وجود پوشش اسلامی برای امضای حاضری به دفتر شان می روند گفته اند که مردان خانه را به جای خود به وظیفه بفرستید. «گزارش گاردین» طالبان با زد و بند بادران خود در عقب پرده، تلاش دارند تا به رسمیت شناخته شوند، تلاش یک ساله شان تا حال به جایی نرسیده است. گرچه به شکل «دفکتو» برای طالبان رسمیت قایل اند و در جلسه ها و مجامع رسمی بسیاری از کشور ها دعوت شده و نمایندگی سیاسی شان در بعضی از کشور ها فعال شده است. اما آنچه که برای یک دولت ارزشمند است مشروعیت داخلی یا مورد پذیرش مردم آن کشور است. مردم افغانستان هیچ گاه به طالبان و امارت شان تابعیت نخواهند کرد. گرچه هر نظامی که بر مردم افغانستان تحمیل شده است، مردم کوله بار ستم رژیم های تحمیلی را با صبر و حوصله بر شانه های شان حمل کرده اند، به امید این که روزی خورشید آزادی در سر زمین افغانستان طلوع خواهد کرد. به گفته مولانا، «این کشتی طوفان زده آخر کناری می رسد».

ای ساریان غمگین مباش خوش روزگاری می رسد

یا عمر غم سر می رسد یا غمگسار می رسد

ای ساریان آهسته ران قدری تحمل بیشتر

این کشتی طوفان زده آخر کناری می رسد...

ادامه دارد

منابع :

اخبار ۸ صبح

اخبار فارسی بی بی سی، صدای المان، صدای امریکا

طلوع نیوز،

رخنامه (فیس بوک)

شبکه های اجتماعی

اگست ۲۰۲۲